

# گفتگو با دکتر ابراهیم شکورزاده بلوری

مؤلف

فرهنگ اصطلاحات علوم و معارف اسلامی (فارسی-فرانسه)

برگزیده شده از طرف دانشگاه تهران به عنوان

یکی از بهترین تألیفات دانشگاهی و کتاب برجسته سال ۷۷

## مختصری از احوال و آثار:



دکتر ابراهیم شکورزاده استاد زبان و ادبیات فرانسه در تربت حیدریه (خراسان) متولد شده و تحصیلات ابتدایی را در دبستان رضائیه همان شهر و تحصیلات متوسطه را در مشهد به پایان رسانیده است. در آغاز دوران جوانی چند سال به خدمت آستان قدس رضوی درآمده و در این مؤسسه مقدس مشاغلی از قبیل ریاست امور اداری و مالی بیمارستان امام رضا، ریاست اداره اراضی و مستغلات و ریاست خزانه و موزه آستان قدس را بر عهده داشته و خدمات ارزنده‌ای در این مؤسسه انجام داده و ضمن خدمت در آستان قدس همواره به تدریس زبان فرانسه در دبیرستانها و برخی دانشکده‌ها (مانند دانشکده پزشکی، ادبیات، الهیات) اشتغال داشته است. در سال ۱۳۳۴ نخستین اثر خود کتاب صرف افعال و موارد استعمال زمانها در زبان فرانسه، و اندکی پس از آن کتاب دیگری تحت عنوان ترانه‌های روستایی خراسان را منتشر ساخته است. چند سال بعد به قصد ادامه تحصیل در رشته زبان و ادبیات فرانسه و اخذ درجه لیسانس

در این رشته در دانشکده ادبیات مشهد ثبت نام کرده و بین دانشجویان دانشکده حائز رتبه اول گردیده است. چندی بعد عازم کشور فرانسه شده و پس از سه سال اقامت در این کشور موفق به اخذ درجه دکتری در زبان و ادبیات فرانسه از دانشگاه سوربن Sorbonne پاریس شده و از آن پس رسماً به خدمت دانشگاه فردوسی مشهد درآمده است. وی پس از بیست سال خدمت آموزشی و انتشار کتب و مقالات متعدد و طی درجات استادیاری و دانشیاری در سال ۱۳۷۱ به مقام استادی ارتقاء یافته است. در همین سال شورای انقلاب فرهنگی و "جذب نخبگان" وی را به عنوان "استاد نخبه" انتخاب نموده است. ایشان به خاطر حسن خدمت آموزشی و تألیف کتب مهم و سودمند تاکنون چندین لوح تقدیر دریافت داشته است.

دکتر شکورزاده نه تنها در کار تدریس و تعلیم و تربیت سابقه ممتدی دارد بلکه در زمینه فرهنگ عامه یا فولکلور خراسان نیز تحقیقات مفصلی نموده و تاکنون سه کتاب به زبانهای فارسی و فرانسه در این زمینه از او منتشر شده است. ده کتاب مهم و معتبر تألیف کرده و بیش از سی مقاله تحقیقی در رشته زبان و ادبیات فرانسه و ادبیات فارسی و فرهنگ عامه و علوم اسلامی به زبانهای فارسی و فرانسه و انگلیسی نوشته و در مجلات معتبر داخلی و خارجی منتشر

کرده است. وی علاوه بر کتب متعدد و تحریر مقالات گوناگون در طول خدمت آموزشی و فرهنگی خود موفق به اخذ دو نشان علمی و یک جایزه هنری در نقاشی و طراحی گردیده و کتاب عقاید و رسوم مردم خراسان او نیز در سال ۱۳۴۸ برنده جایزه بهترین کتاب سال در رشته علوم اجتماعی و مردم‌شناسی شده است. مهم‌ترین اثر وی فرهنگ اصطلاحات علوم و معارف اسلامی است که در اواخر سال ۱۳۷۵ انتشار یافته و اخیراً از طرف دانشگاه تهران به عنوان تألیف برجسته سال ۷۷ در میان کتابهای دانشگاهی برگزیده شده و به دریافت جایزه و لوح تقدیر مفتخر شده است. آثار در دست تألیف و انتشار دکتر شکورزاده به قرار زیر است: تجدید چاپ دو کتاب ده هزار مثل فارسی (با افزودن دو هزار مثل جدید) و فرهنگ اصطلاحات علوم و معارف اسلامی؛ چاپ چهار کتاب زیر که تألیف آنها پایان یافته است: ۱- فرهنگ امثال و تعبیّرات (فرانسه-فارسی، فارسی-فرانسه) ۲- فرهنگ موضوعی امثال و تعبیّرات فارسی؛ ۳- گنجینه پند و حکمت (جلد دوم ده هزار مثل فارسی که مجموعه‌ای است از اشعار حکمت‌آمیز فرزندان ایران)؛ ۴- گنجینه حکمت ایرانی (به زبان فرانسه). کتبی که در دست تهیه است عبارتند از: افسانه‌های عامیانه خراسان، جلد چهارم و پنجم کتاب عقاید و رسوم مردم خراسان (طب عوام، مکانهای مقدس)، فولکلور و مذهب، قطعات برگزیده از آثار ادبی فارسی با ترجمه فرانسوی آنها و بالعکس (برای استفاده دانشجویان رشته زبان و ادبیات فرانسه) و فرهنگ فرانسه-فارسی (در دو جلد).

#### ■ لطفاً بفرمایید چطور شد که به فکر تألیف این فرهنگ افتادید؟

چنانکه در مقدمه فرهنگ اصطلاحات علوم و معارف اسلامی ذکر کرده‌ام بیست و چند سال پیش هنگامی که مسؤلیت تدریس دو درس قرائت و ترجمه متون اسلامی به زبان فرانسه در دانشکده الهیات و معارف اسلامی به عهده این‌جانب محول گردید با توجه به اهمیت درس مذکور به فکر افتادم که فرهنگی جامع و کامل حاوی لغات و اصطلاحات علوم و معارف اسلامی با ترجمه دقیق آنها به زبان فرانسه فراهم آورم تا هم مورد استفاده دانشجویان قرار گیرد و هم وسیله و ابزاری باشد برای ترجمه آثار مهم و معتبر دانشمندان بزرگ اسلامی به زبان فرانسه به وسیله هم‌میهنان پژوهشگر و دانشمند. علاوه بر آن فضلاء و دانشمندان عزیز کشور بتوانند با استفاده از دانش گسترده خود و احیاناً مراجعه به این فرهنگ مقالات و کتب سودمندی به زبان فرانسه منتشر سازند و از این طریق به نشر علوم و معارف اسلامی و معرفی اسلام راستین به دنیای غرب اقدام نمایند. ضرورت این اقدام در ذهن بنده وقتی بیشتر و عمیق‌تر احساس شد که ضمن تحقیق مطلع شدم که تا کنون هیچ کتاب یا فرهنگ مستقلی درباره لغات و اصطلاحات اسلامی به زبان فرانسه نوشته نشده است.

در پی این اندیشه ابتدا فرهنگ مختصری در یکصد صفحه به صورت پلی‌کپی و جزوه درسی برای دانشجویان فراهم کردم و سپس به قصد تکمیل این فرهنگ و تدوین یک فرهنگ جامع و کامل به جمع آوری منابع و مآخذ لازم پرداختم و با مراجعه به کتابخانه‌های مهم تهران و مشهد (کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، کتابخانه مجلس، کتابخانه دانشکده حقوق، کتابخانه دانشکده ادبیات و دانشکده الهیات تهران و کتابخانه آستان قدس رضوی، کتابخانه دانشکده ادبیات و دانشکده الهیات مشهد) فهرستی از ۵۱۱ کتاب از آثار بزرگ و مشهور اسلام که درباره علوم و معارف اسلامی به زبان فرانسه ترجمه و یا به فارسی تألیف شده بود تهیه کردم و طی هفده سال مطالعه پی‌گیر و مستند و با استفاده از معلومات و اطلاعات شخصی و نیز مقابله قرآن با پنج ترجمه معتبر آن

به زبان فرانسه و تماس و مشورت با بسیاری از دانشمندان اسلام‌شناس فرانسوی و خاورشناسان صاحب‌نظر و استادان مشهور کشورهای عرب‌زبان مسلمان از قبیل پروفیسور آلتونجی و دکتر طریف شیخ امین (از دانشگاه حلب) و دکتر امیر مرتضوی و شش تن دیگر از استادان اسلام‌شناس فرانسوی دانشگاه پاریس و مطالعه مستمر در کتابخانه ملی پاریس و کتابخانه مدرسه السنه شرق و کتابخانه کنگره آمریکا سرانجام با عنایت پروردگار فرهنگ مورد بحث را که در نوع خود بی سابقه است فراهم آوردم.

■ این فرهنگ دارای چه مشخصاتی است و روش شما در ضبط لغات و اصطلاحات در این فرهنگ چه بوده است؟

نخستین سعی این‌جانب در ضبط لغات و اصطلاحات در این فرهنگ این بوده است که تلفظ صحیح و دقیق هر کلمه و اصطلاح را با الفبای آوانگاری بین‌المللی - یعنی الفبای مخصوصی که خاورشناسان و دانشمندان مختلف جهان در آثار خود از آن استفاده می‌کنند - در مقابل هر یک نشان بدهم تا خوانندگان در تلفظ صحیح لغات و اصطلاحات دچار خطا و اشتباه نشوند. صورت کامل این الفبا قبل از مقدمه، در نخستین صفحه کتاب چاپ و در دسترس خوانندگان قرار گرفته است.

برای آنکه معلوم شود که هر یک از واژه‌ها و مصطلحات - اعم از فارسی و عربی - متعلق به کدام یک از شعب علوم و معارف اسلامی است، نشانه‌های اختصاری خاصی از قبیل (ف.د.) برای فلسفه و (فق.د.) برای فقه و (عر.) برای عرفان و (حد.) برای حدیث و (نج.د.) برای علم نجوم و (قر.) برای لغات و اصطلاحات قرآنی، در داخل پراکنش در مقابل هر یک قرار داده شده و فهرست این نشانه‌ها نیز در آغاز کتاب برای استفاده خوانندگان به چاپ رسیده است.

با آنکه در این فرهنگها شرح و توضیح لغات و اصطلاحات معمول و مرسوم نیست، با این حال هر جا که ضرورت ایجاد می‌کرده برای برخی از لغات و اصطلاحات توضیحی کوتاه و مختصر داده شده تا ابهامی برای خوانندگان مبتدی پیش نیاید و برای دانشجویان و برخی پژوهشگران نیز بیشتر مورد استفاده قرار گیرد. از آن قبیل اند لغات و اصطلاحات بلاط‌الشهداء، سوق‌الثمانین، صقلاب، غزیر، کفرناحوم، مُرجه و امثال آنها.

در ترجمه لغات و اصطلاحات هر کجا امکان داشته است به ذکر معادل دقیق فرانسوی آن اکتفا شده و اگر آن لغت و اصطلاح در زبان فرانسه معادلی نداشته با دقت کامل به فرانسه ترجمه و در مقابل هر یک قید گردیده است. مثلاً برای ترجمه لغات و اصطلاحات "اثنا عشری" (در ملل و نحل) و "قسر" (در فلسفه) و "طلاق" (در فقه) و "تَيْقُظ" (در اخلاق و علم کلام) و "قیاس خطایی" (در منطق) و "علم‌الغایات" (در فلسفه) به ترتیب معادلهای فرانسوی Duodecimain و Contrainde و Divorce (یا Répudiation) و Prise de conscience و Syllogisme و Téléologie داده شده ولی در مورد اصطلاحات دیگری که خاص علوم و معارف اسلامی بوده (مانند "آیات ناسخ و منسوخ" و "علم تجوید" و "مبطلات" و "رکعت") و معادل فرانسوی نداشته‌اند معنی و مفهوم دقیق آنها به زبان فرانسه

ترجمه و در مقابل هر یک قید شده است (برای اطلاع از ترجمه چهار اصطلاح و لغت اخیر رجوع شود به فرهنگ اصطلاحات علوم و معارف اسلامی).

■ برای تهیه مدخلها و حصول اطمینان از صحت آنها چه شیوه‌ای به کار برده‌اید؟

برای تهیه مدخلها و اطمینان کامل از درستی آنها نه تنها به فرهنگها و کتب معتبر و مهم مراجعه شده بلکه در مواردی که معنی یا املاء لغت نادرست به نظر می‌رسیده و یا در ضبط آنها در فرهنگها اختلافی وجود داشته است دقت بیشتری به عمل آمده و با نظرخواهی از استادان و دانشمندان متخصص ضبط صحیح یا معنی دقیق و درست هر یک از آنها معین و پس از اطمینان از صحت آنها در فرهنگ قید گردیده است و این کار به آسانی صورت نپذیرفته است. وجود اختلافات فاحش و فراوان در فرهنگهای فارسی در ضبط لغات و یا شرح و معنی آنها دشواری بزرگی در راه تدوین فرهنگ اصطلاحات علوم و معارف اسلامی برای بنده بوده است. بگذارید چند نمونه از این اختلافات را در این جا نقل کنم تا مطلب روشن‌تر و دشواریهای مورد بحث محسوس‌تر شود:

لغت "ارهاص" (از اصطلاحات عرفانی و کلامی) در فرهنگ معارف اسلامی دکتر سجادی به صورت "ارهاض" ضبط شده و در شرح اصطلاحات تصوف تألیف دکتر گوهرین به صورت "ارهاص" آمده؛ شهر افسانه‌ای اسپانیا معروف به شهر مسین در فرهنگ معین به صورت "مدینه النحاس" ضبط شده و در لغت نامه دهخدا به صورت "مدینه النحاس" آمده؛ نام Zenon de Citium فیلسوف یونانی مکتب رواقی در فرهنگ معین به صورت "زنون سیتیومی" و در دائرة المعارف فارسی مصاحب به صورت "زنون کیتیومی" ضبط گردیده است؛ شماره "ابدال" (اصطلاح عرفانی) را برخی از فرهنگ‌نویسان هفت تن و بعضی هفتاد و عده‌ای چهل و عده دیگری سی تن نوشته‌اند؛ کلمه "ظنی" (لغت قرآنی) را عده‌ای از مترجمان "آتش دوزخ" (الهی قمشهای) و عده دیگر "طبقه پنجم دوزخ" ترجمه کرده‌اند (فرهنگ معین)؛ در جلد نهم لغت نامه (چاپ جدید) ص ۱۳۶۰۴ معادل فرانسوی "طَرْفُ الناظور" (شهر و بندری در اندلس) به صورت SANTAPOLS ضبط شده و حال آنکه چنین کلمه‌ای در جغرافیای اسپانیا و در میان شهرهای اندلس و در هیچ فرهنگ یا دائرة المعارف اروپایی وجود ندارد. من برای روشن شدن موضوع مدتی به جستجو و مطالعه در فرهنگها پرداختم و سرانجام معلوم شد ضبط صحیح فرانسوی و اسپانیایی آن در دو کلمه جداگانه و به صورت SANTA POLA است نه SANTAPOLS.

یکی دیگر از مشکلاتی که بنده در ضبط صحیح لغات و مخصوصاً یافتن معنی دقیق برخی از کلمات داشته‌ام تا بتوانم با اطمینان و دقت بیشتر به ترجمه آنها اقدام کنم این بوده است که گاهی هنگام مراجعه به فرهنگهای فارسی به شروع و تفصیلی برخوردارم که سخت مبهم و نارسا و نامفهوم بوده و یا با عباراتی مُغلق و الفاظی غریب و دور از ذهن بیان شده که فهم آنها برای من دشوار و بلکه محال بوده است و گمان نمی‌رود که هیچ خواننده باسواد و دانشمندی بتواند از معانی و شروحي که در ذیل هر یک از این لغات داده شده است سر در بیاورد. برای اطمینان از صحت عرایض بنده کافی

است به یکی از لغات این فرهنگ - مثلاً لغت "احصاء" در فرهنگ معارف اسلامی (ج ۱، ص ۹۵) و شرحی که در ذیل آنها داده است رجوع کرد. در فرهنگ مزبور در شرح لغت "احصاء" چنین می‌خوانیم: "احصاء اسماء الهیه، تحقق به اسماء الهیه است در حضرت احدیت به فناء از رسوم خلیقه و بقاء حضرت احدیت (...). اما احصاء اسماء به تیقن معانی و عمل بفحوای آن مستلزم دخول جنت افعال است به صحت توکل در مقام مجازات".

نکته دیگری که ذکر آن در این جا لازم به نظر می‌رسد و می‌تواند یکی دیگر از انگیزه‌هایی باشد که مرا وادار به تألیف فرهنگ اصطلاحات علوم و معارف اسلامی کرد، این بود که در ضمن مطالعات خود در متون اسلامی، متوجه شدم که در بسیاری از موارد در ترجمه‌هایی که از آثار خاورشناسان اروپایی به فارسی صورت گرفته است خطاهای فاحش و اشتباهات فراوانی وجود دارد. مثلاً لغات و اصطلاحات Prophétie و Orthodexie و Gentils و Corps de Résurrection و Intellectus sanctus را برخی مترجمان به غلط به "نبوت تشریحی" (؟) و "سلوک تقلیدی" (؟) و "بت پرستان" و "کالبد انسان" و "عقل مقدس" ترجمه کرده‌اند و حال آنکه ترجمه درست آنها به ترتیب عبارتست از: "نبوت" و "عقیده به سنت صحیح (پیروی از اعتقاد و سنت درست)" و "اعراب دوره جاهلیت" (یا: "بت پرستان دوره جاهلیت") و "ابدان اخروی" و "عقل قدسی".<sup>۱</sup>

بر عکس عده‌ای از خاورشناسان و مترجمان فرانسوی در ترجمه لغات و اصطلاحات اسلامی دچار لغزش و اشتباه شده‌اند و این خبط و اشتباه آنان گاهی بر اثر سهو و خطا در تلفظ یا قرائت نادرست لغات بوده، و زمانی به علت عدم ادراک معنی دقیق و صحیح آنها و وقتی هم به قصد و عمد جهت ایجاد خدشه در ذهن خواننده و یا نادرست جلوه دادن برخی جنبه‌های دینی و عقیدتی و تاریخی اسلام در نظر دیگران، از دسته اول و دوم میتوان از لغات و اصطلاحات "غزوه سوئیک" و "ملاّ اعلی" و "متکبر" و "خیرالماکرین" نام برد که اولی توسط Clément Huart در کتاب معروف خود *Histoire des Arabes* به صورت Campagne de la loullie، توسط D. Masson در سوره صافات به صورت Chéfs suprêmes ترجمه شده است. اما در مورد لغات "متکبر" و "خیرالماکرین" (از نامها و صفات خدای تعالی) بسیاری از خاورشناسان دچار اشتباه شده‌اند. مترجمان فرانسوی کلمه "متکبر" را در معنی ظاهری و عادی آن یعنی "خودخواه" و "صاحب کبر و غرور" گرفته و آن را به صورت Fier ترجمه کرده‌اند و حال آنکه ترجمه درست این کلمه در مورد خدواند "صاحب کبریا و عظمت" است و باید به صورت Altier ترجمه شود. در ترجمه اصطلاح قرآنی "خیرالماکرین" نیز که از نامها و صفات الهی است بسیاری از مترجمان فرانسوی به معنی ظاهری آن توجه نموده و آن را به صورت Le Meilleur de ceux qui rusent ترجمه نموده‌اند و حال آنکه مقصود از کلمه "ماکرین" که به خداوند نسبت داده شده است "مکار"، "مکرکننده" یا "حیله گر" نیست، بلکه مقصود کسی است که "درست اسباب چینی می‌کند" یا "بیش از هرکس و بهتر

۱- کلمه اول و دوم و پنجم از ترجمه تاریخ فلسفه اسلامی اثر هانری گربن و کلمه سوم از ترجمه کتاب در آستانه قرآن اثر رژی بلاشر و کلمه چهارم از ترجمه کتاب ارض ملکوت و کالبد انسان اثر هانری گربن استخراج شده است.

از هر کس اسباب چینی می‌کند". بنابراین باید به صورت *Le Meilleur de ceux qui machinent* یا *Le Meilleur de ceux qui savent machiner* ترجمه کرد. از دسته چهارم نیز می‌توان فقط به ذکر یک کلمه اکتفا نمود و آن کلمه "هجرت" است که برخی از مترجمان و خاورشناسان آن را بخاطر دشمنی با اسلام به *Fuite* (فرار) ترجمه نموده‌اند.

■ خیال ندارید نسخه فارسی-انگلیسی همین فرهنگ را نیز تألیف کنید؟

بنده در نظر داشتم پس از انتشار این فرهنگ جلد دوم آن را نیز - که در ۲۵ هزار فیش به زبان (فرانسه-فارسی) تنظیم و آماده چاپ شده بود - منتشر سازم و بعد با همکاری یکی از استادان زبان و ادبیات انگلیسی نسخه فارسی-انگلیسی فرهنگ را نیز تألیف کنم زیرا فرهنگهایی که تا کنون در این باب به زبان فارسی-انگلیسی در ایران انتشار یافته است بسیار ناقص به نظر می‌رسید و از برخی جهات مورد انتقاد اهل فضل و دانش قرار گرفته است. یعنی در این فرهنگها نه تنها لغات و اصطلاحات در آنها آوانگاری نشده، بلکه تعداد فراوانی لغات غیر اسلامی نیز در آنها راه یافته است، لکن بزودی از اجرای این فکر چشم پوشیدم. عدم توجه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نسبت به این اثر و رنج و دقتی که این جانب در راه تألیف آن به کار برده بودم مراد کار خود دلسرد و مأیوس کرد تا بدان حد که نه فقط از تألیف فرهنگ اصطلاحات اسلامی به فارسی-انگلیسی منصرف شدم بلکه ۲۵ هزار فیش مربوط به نسخه فرانسه-فارسی فرهنگ را نیز به دور ریختم، یعنی فرستادم آنها را خمیر کنند.

\* \* \* \* \*

برای آشنایی بیشتر با فرهنگ اصطلاحات علوم و معارف اسلامی به بخشی از مدخل "حدیث" برگرفته از این فرهنگ در دو صفحه بعد توجه کنید.

حدیث ضعیف و مضطرب (حد.)  
 ḥadīth-i daʿīf wa muḍṭarīb  
 "Tradition" faible et confuse

حدیث غریب (حد.)  
 ḥadīth-i gharīb  
 "Tradition" provenant d'un seul Compagnon

حدیث غمامه / حدیث الغمامه (روا.)  
 ḥadīth-i Ḡhamāma  
 Ḥadīth ou récit du Nuage blanc

حدیث فرد (حد.)  
 ḥadīth-i fard  
 "Tradition" isolée

حدیث قدسی (حد.)  
 ḥadīth-i qudsī  
 - "Tradition" sainte (ou sacrée)  
 - "Tradition" inspirée (Parole divine révélée par la bouche du Prophète)  
 - Parole de Dieu révélée au Prophète en dehors du Coran

حدیث کسا  
 ḥadīth-i Kasā  
 "Tradition" du vêtement

حدیث کنز مخفی (حد.)  
 ḥadīth-i kanz-i maḥfī  
 Ḥadīth ou récit du "Trésor caché"

حدیث مأثور (حد.)  
 ḥadīth-i ma'thūr  
 "Tradition" transmise

حدیث مبهم (حد.)  
 ḥadīth-i mubham  
 - "Tradition" vague, obscure  
 - "Tradition" dont le transmetteur est désigné vaguement

حدیث متروک (حد.)  
 ḥadīth-i matrūk  
 "Tradition" laissée, abandonnée, sans isnād

حدیث متصل (حد.)  
 ḥadīth-i muttaṣil  
 "Tradition" ininterrompue

حدیث متواتر (حد.) : مة . حدیث آحاد  
 ḥadīth-i mutawātir

- parole du Prophète  
 - Tradition (prophétique)

حدیث اسراء / حدیث معراج (حد.)  
 ḥadīth-i isrā'  
 "Tradition" relatant l'ascension du Prophète de l'Islam

حدیث ثقلین (حد.)  
 Ḥadīth-i ṭhaqalayn  
 Récit des hommes et des djinns

حدیث ثقة (حد.)  
 ḥadīth-i ṭhiqa  
 "Tradition" digne de confiance

حدیث جعلی (حد.)  
 ḥadīth-i djaʿlī  
 "Tradition" forgée

حدیث حسن (حد.)  
 ḥadīth-i ḥasan  
 "Tradition" bonne

حدیث رایات (حد.)  
 ḥadīth-i r. ʾāṭ  
 "Tradition" de drapeaux

حدیث سقیم (حد.) : مة . حدیث صحیح  
 ḥadīth-i saqīm  
 - "Tradition" apocryphe  
 - "Tradition" infirme

حدیث شاذ / حدیث مفرد (حد.)  
 ḥadīth-i shādh(dh)  
 - "Tradition" rare  
 - "Tradition" provenant d'une seule autorité et différente de la version fournie par d'autres

حدیث صحیح (حد.) : مة . حدیث سقیم  
 ḥadīth-i ṣaḥīḥ  
 - "Tradition" authentique  
 - "Tradition" saine, sans vice  
 - "Tradition" juste, exacte

حدیث ضعیف (حد.)  
 ḥadīth-i daʿīf  
 - "Tradition" faible  
 - "Tradition" dont l'isnād est notablement défectueux

"Tradition" transmise avec la formule:  
"d'après un tel"

حدیث مفرد (حد.) ← حدیث شاذ  
ḥadīth-i mufrad

حدیث مقبول (حد.)  
"Tradition" acceptée par la majorité des  
ulémas et qui remplit les conditions  
nécessaires

حدیث مقلوب (حد.)  
ḥadīth-i maqlūb  
- "Tradition" intervertie  
- "Tradition" transposée  
- "Tradition" attribuée à quelqu'un d'autre  
que l'autorité réelle

حدیث منقطع (حد.)  
ḥadīth-i munqaṭi'c  
"Tradition" interrompue

حدیث منقول از ائمه (حد.)  
ḥadīth-i manqul az a'imma  
"Tradition" provenant des Saints Imâms

حدیث منکر (حد.)  
ḥadīth-i munkar  
"Tradition" ignorée ou suspecte (tradition  
dont le transmetteur est unique et  
s'écarte de la version rapportée par un  
autre qui est digne de confiance)

حدیث موثق (حد.)  
ḥadīth-i muwaṭṭḥaq  
"Tradition" transmise par des hommes de  
confiance

حدیث موضوع (حد.)  
ḥadīth-i mawḏū'c  
"Tradition" fictive

حدیث موقوف (حد.)  
ḥadīth-i mawqūf  
"Tradition" remontant seulement à un  
Compagnon

حدیث نبوی (حد.)  
ḥadīth-i nabawī  
- "Tradition" prophétique  
- "Tradition" provenant du Prophète  
- "Tradition" rapportant les actes et les  
paroles du Prophète

- "Tradition" transmise par voie multiple  
- "Tradition" transmise par un grand  
nombre de transmetteurs

حدیث مجهول (حد.)  
ḥadīth-i madjḥūl  
"Tradition" anonyme

حدیث مردود (حد.)  
ḥadīth-i mardūd  
"Tradition" rejetée

حدیث مرسل (حد.)  
ḥadīth-i mursal  
"Tradition" dans laquelle les  
transmetteurs ne sont pas cités

حدیث مستفیض (حد.)  
ḥadīth-i mustafīḏ  
"Tradition" transmise par commune  
renommée

حدیث مشهور (حد.)  
ḥadīth-i mashḥūr  
- "Tradition" connue, admise  
- "Tradition" majoritaire

حدیث مضطرب (حد.)  
ḥadīth-i muḏṭarib  
"Tradition" vacillante, "hétérogène"  
(tradition sur la version de laquelle deux  
ou plusieurs personnes sont en  
désaccord)

حدیث معتبر (حد.)  
ḥadīth-i mu'cṭabar  
"Tradition" sûre, solide

حدیث معراج (حد.) ← حدیث اسراء  
ḥadīth-i Mi'rādj

حدیث معروف (حد.)  
ḥadīth-i ma'c'rūf  
"Tradition" connue

حدیث معلوق (حد.)  
ḥadīth-i mu'c'allaq  
"Tradition" discontinue

حدیث معلول (حد.)  
ḥadīth-i ma'c'lūl  
- "Tradition" comportant quelque faiblesse  
dans son isnād ou dans son contexte  
- "Tradition" défectueuse

حدیث معنن (حد.)  
ḥadīth-i mu'c'an'an